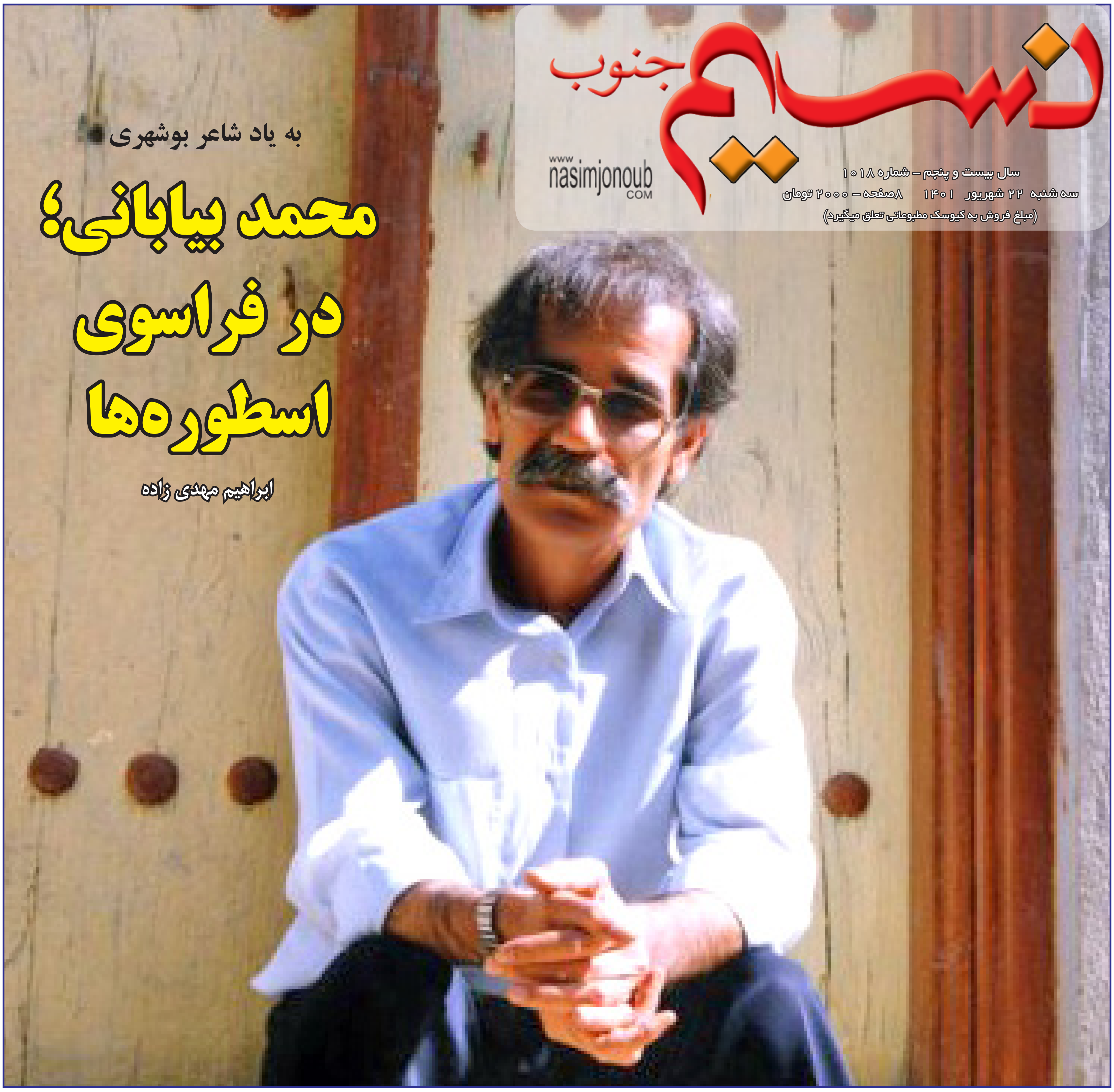
# نسیم جنوب

www nasimjonoub.com

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۱۸

سه شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ ۸صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

به یاد شاعر بوشهری

# محمد بیابانی؛ در فراسوی اسطوره‌ها

ابراهیم مهدی زاده



## بزرگداشت روز سینما

با آثاری از:

امیر نادری

مهدی انصاری

محمد لطفی

مجید فخریان

عبدالرحمن برزگر

مهدی غضنفری

اسماعیل بهبهانی

بهرام سعادت مهر

محمد مظفری

# چراغ بی‌فروغ سینما در بوشهر




ایسنا/بوشهر: ۲۱ شهریور، روزی است که به شکل «سمبلیک» به‌عنوان روز ملی سینما در ایران انتخاب شده است. شاید بتوان گفت سینما مکانی است که در آن افراد با هر سلیقه و تفکری به تماشای داستانی می‌نشیند تا یادآوریشان کند در اطرافشان چه می گذرد. این نامگذاری اما اتفاق مهمی است که به زعم بسیاری از اهالی سینما و هنرمندان باعث می‌شود تا این هنر مهم به فراموشی سپرده نشود.

۱۲۲ سال پیش مظفرالدین شاه قاجار با همراهی ابراهیم‌خان عکاس‌باشی نخستین دوربین فیلمبرداری را وارد کشور کرد تا ایرانیان نیز از این جادوی هزار جدید بهره ببرند.

طبق پژوهش‌های انجام شده نخستین سالن سینما در بوشهر نیز از سوی مرحوم "حاج یحیی شیرازی" در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی تاسیس شد. اما با وجود این پیشینه درخشان هم اکنون هیچ مکانی با ملاک‌ها و استانداردهای سینما در استان بوشهر فعالیتی ندارد.

### اول ایمنی بعد سینما

رئیس حوزه هنری استان بوشهر در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا اظهار کرد: سینما در استان ما قدمت دیرینه‌ای دارد. به دلیل همین حضور بیش از یک قرن سالن‌های سینما در استان، نسل‌های متعدد با این پدیده آشنا هستند.

امید پارسایی‌فر با بیان اینکه در تمام شهرستان‌های استان، سالن‌هایی برای پخش فیلم وجود دارد، افزود: اما تنها محلی که به سامانه ملی سینمای کشور متصل بوده و ما می‌توانیم به صورت حرفه‌ای آن را سینما تصور کنیم، مجتمع فرهنگی، سینمایی بهمن بوشهر است که میزبان مخاطبان خود در سال‌های اخیر بوده است.

وی با اشاره به اینکه این بنا در سال ۱۳۴۵ احداث شده است، افزود: آخرین بازسازی سینما بهمن مربوط به سال‌های ۸۱ تا ۸۵ است و هر ساختمانی پس ازسال‌ها فعالیت، برای بررسی روند ایمنی نیازمند تصمیمات جدید است که مدیریت بحران استان ما نیز خواستار تعطیلی این مجتمع سینمایی تا بررسی وضعیت استحکام آن از نظر کارشناسان شده‌اند.

رئیس حوزه هنری استان بوشهر تصریح کرد: تمام مسئولین ارشد استان عزم راسخی دارند تا این قضیه را حل کنند و مطابق با نتایج کارشناسی یا سینما بهمن بلافاصله تعمیر و تجهیز خواهد شد و یا سالن‌هایی که ایمنی دارند بازگشایی می‌شوند تا فاز اجرایی و عمرانی مجتمع بهمن آغاز شود که امیدواریم در دو ماه آینده این سالن پخش فیلم بتواند از نو فعالیت کند.

### علت ریزش تماشگران سینما

امید پارسایی‌فر با یاداوری شیوع بیماری کرونا را عامل ضربه به سینما، موسیقی، تئاتر، و سایر تولیدات هنری و فرهنگی کشور بود، می‌افزاید: در کنار تعطیلی سینماها بسیاری از عوامل سینمایی بیکار شدند، تولید کننده‌ها و سرمایه گذارها یا پا در این عرصه نگذاشتند یا با زیان‌های هنگفتی مواجه شدند.

وی عامل دیگر ریزش مخاطب را ورود و پیدایش رقبای جدید سینما می داند و در ادامه اضافه کرد: قیمت بلیط سینما در کشور ما گران نیست (۲۵هزارتومان) و با وجود سه شنبه‌های نیم بها، انواع تخفیف‌های سازمانی و اکران عمومی، این وجود پلتفرم‌ها و سینمای خانگی است که محیط را برای سینما سخت کرده است و مخاطبین با انبوهی از ذخیره‌های سینمایی آشنا شدند که منجر به تغییر ذائقه آنان شد که خود نیز از تبعات کرونا بود و تماشاگران سالن‌های سینما را شاید به نصف کاهش داد.

این مدیر فرهنگی خاطرنشان کرد: مخاطب امروز چالش‌ها و تنوع را دوست دارد، مسائل و سوال‌های جدیدی مطرح می کند و اگر سینمای ما نتواند قصه گو باشد و فیلم‌ها بر اساس یک ایده فیلم نامه خوب ساخته نشوند حتی تولید یک فیلم پر رنگ و لعاب هم نمی تواند مخاطب را جذب کند.

### جای خالی رسانه در بازگشت تماشاگران به سینما

امید پارسایی فر تشریح کرد: وقتی به تاریخ سینما نگاه کنیم فیلم‌های موفقی می‌بینیم که موج رسانه‌ای در کنار آن‌ها بوده است. اما متاسفانه در حال حاضر اگر به سایت‌های خبری استان نگاهی بیندازید شاید به ندرت اخبارسینمایی کار شده است. اما پلتفرم‌های خانگی از انتشار اخبار و یا رویدادهای خود در فضای رسانه‌ای دریغ نمیکنند. پس اگر سینما را با تلوزیون آشتی دهیم و برنامه مستقل سینمایی داشته باشیم و مباحث سینمایی جز سبد خبری روزانه جای گیرد مخاطب به این سمت می آید.

### سینما سیار، تجربه موفق

رئیس حوزه هنری استان بوشهر می گوید: از تجربیات خوبی که در استان بوشهر اجرا شد، نمایش فیلم‌های ارزشی مانند " منصور "، "موقعیت مهدی "و " هناس " در مراکز عمومی، مساجد، تکایا و میادین محلی بود که مورد استقبال مخاطبین هم قرار گرفت و نگاهمان این بود که اگر مخاطب بنا به هر دلیلی سمت ما نیاید (بعد مسافت، ذهنیت‌ها و تصورات سالن سینما) فیلم‌ها را در سطح محلات عرضه کنیم. ولی به خاطر شرایط آب و هوایی استان این مجال کمتر است، باید بپذیریم که هر استانی چالش‌های خودش رو دارد که باید مطابق همان عمل کنیم.

پارسایی فر در پایان گفت: باید هرچه سریع‌تر سینمای بوشهر را بنا به دلایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فعال کنیم که این اولین مطالبه من در روز سینما است و امیدواریم با همراهی مسئولین استان، مجتمع سینمایی بهمن بوشهر به روزگار رونق خود بازگردد.

# بوشهر، مردودِ مردودی‌ها

ایسنا/بوشهر: بر اساس اعلام آموزش و پرورش، تکرار پایه (مردودی) در بوشهر از میانگین کشوری بالاتر است، این آمار در استان شامل ۴.۳۸ درصد دانش آموزان می‌شود و در پایه اول دبستان که ناچار به تکرار پایه می‌شوند بسیار بیشتر است، در حالی که آمار میانگین کشوری ۳.۹۰ درصد است.

علل گوناگونی، زمینه ساز افت تحصیلی و توقف در یک پایه تحصیلی می‌شوند. در کل نمی‌توان علل ثابتی را عامل موفقیت یا شکست تلقی کرد؛ در همین راستا ایسنا موضوع را از مسئول مربوطه پیگیری کرد.

### تکرار پایه در مقطع اول دبستان در حال حاضر یک معضل کشوری است

غلامحسین مهران پور، معاون ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر در پاسخ به خبرنگار ایسنا بیان کرد: تکرار پایه در مقطع اول دبستان در حال حاضر یک معضل کشوری است و نه فقط استان، که معاون آموزش ابتدایی وزارت هم به‌تازگی در همین راستا صحبتی داشته‌اند مبنی بر اینکه باید علت‌های این موضوع بررسی شده و در رفع علل اقداماتی صورت گیرد اما ما در سطح استان قبل از اینکه در سطح کشوری اقدامی بخواهد صورت گیرد، کار را شروع کردیم.




### عوامل تکرار پایه؛ کرونا عاملی مهم

وی عوامل تکرار پایه را در ۲ سال اخیر جهشی خوانده و عنوان کرد: قبل از ۲ سال اخیر این موضوع کمتر بوده و دلیل اصلی آن هم همان بحث کرونا است، دانش آموز بدون اینکه اطلاعات و علمی داشته باشد از همان روز اول با فضای مجازی می‌خواست درس را یاد بگیرد که در این شرایط یادگیری نمی‌توانست صورت گیرد.

### خانواده‌ها زیر بار ضعف فرزندانشان در سنجش نمی‌روند

معاون ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر افزود: موضوع دیگر سنجش قبل از دبستان است، ما سنجش قبل از دبستان را از ۷ تیرماه شروع کرده ایم و تا ۲۵ شهریور نیز این امر ادامه دارد و بچه‌ها از جهات مختلف مورد ارزیابی قرار می گیرند، برای تعدادی دانش آموز رای صادر می‌شود که باید مدارس استثنایی بروند اما خانواده‌هایشان این امر را نمی‌پذیرند و اصرار می کنند که بچه ما عادی است و باید در مدارس دولتی و عادی درس بخواند، تعدادی نیز مرزی هستند و با نگاهی محبت آمیز این دسته روانه مدارس دولتی می‌شوند، همین دانش آموزان پایه اول می‌آیند و آن وقت مشکل پیدا می‌شود.

### دانش آموزان با گویش غیر فارسی و کتاب‌های درسی فارسی

مهران پور خاطر نشان کرد: عامل سوم نیز موارد دو زبانه ما هستند، یعنی دانش آموزانی با گویش غیر فارسی مثل عرب، ترک و ... که در سطح استان نیز زیاد داریم، و از آنجا که کتاب‌های درسی ما نیز به زبان فارسی است، این دسته دانش آموزان دچار چالش شده و در افزایش تکرار پایه اثرگذارند.

### کم سواد بودن برخی اولیاء

وی ادامه داد: عامل دیگر تکرار پایه کم سواد بودن برخی اولیاء است، در دوره ابتدایی، ولی دانش آموز به ویژه مادران در موفقیت دانش آموز خیلی موثر هستند، به خصوص در دوران کرونا خانواده‌ها در کنار ما بوده و اگر نبودند، افت، خیلی بیشتر از این بود.

### شرایط اقتصادی ضعیف

معاون آموزش ابتدایی استان عامل دیگر را شرایط اقتصادی بیان کرده و افزود: وضعیت اقتصادی خانواده‌ها نیز عامل دیگری است که به ویژه در دوران کرونا نمی‌توانستند موبایل یا تبلتی برای استفاده آموزشی بچه هایشان بگیرند.

مهران پور افزود: البته گفتنی است پوشش پایه اول ما در استان ۹۷.۴۵ شده است، یعنی ما در مدارسمان کل بچه‌های ۶ سال تمام را به خوبی توانستیم وارد چرخه آموزش کنیم در حالی که پوشش پایه اول میانگین کشوری ۹۵.۰۳ است.

### برنامه‌هایی برای برون رفت از مشکل تکرار پایه داریم

وی عنوان کرد: ۲ برنامه ویژه را برای برون رفت از مشکل تکرار پایه مدنظر داریم: یکی اینکه نرخ تکرار پایه را در پایه اول دبستان کاهش دهیم و دوم اینکه نرخ ترک تحصیل را در پایه ششم کم کنیم.

معاون ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر افزود: برای موضوع اول که پایه این مصاحبه است ما کارهایی انجام داده ایم از جمله: به همکاران در سنجش تاکید کرده ایم که با دقت کار سنجش را انجام دهند و در مقابل هر گونه اصراری هم از طرف اولیاء مقاومت کنند، دوم اینکه به تمام شهرستان‌ها و مناطق نامه زده ایم که از آموزگارانی که کم تجربه هستند، در پایه اول استفاده نکنید و تنها نیروهای باتجربه‌تر در این پایه بکار گرفته شده و ثابت هم نگه داشته شوند. حتی به وزارت هم گفتیم امتیاز ویژه‌ای برای این دسته همکاران در نظر گرفته شود.

مهران پور افزود: قدام دیگری که انجام داده ایم این است که انتصاب مدیران متناسب با جنسیت صورت بگیرد یعنی ما مدرسه دخترانه‌ای نداشته باشیم که مدیرش مرد باشد یا برعکس،... چون ممکن است در این صورت ارتباط و همکاری بین همکاران و مدیر در زمینه مشکلات دانش آموزان به خوبی صورت نگیرد.

وی اقدام مؤثر دیگر را وجود کارگاه‌ها دانسته و خاطرنشان کرد: امسال کارگاه‌های دانش افزایی و توانمندسازی ویژه آموزگاران پایه اول و پایه ششم در استان به طور ویژه در دو مرحله اجرا خواهیم کرد، مرحله اول در مهر و مرحله دوم در دی در کل استان و به طور هماهنگ روزهای پنج شنبه برگزار می‌شود. در پایه اول دو درس فارسی و ریاضی را که بیشتر چالش داریم و در پایه ششم هم فارسی، ریاضی، و علوم مد نظر قرار می گیرند.

استاندار بوشهر:

## مدیران این استان فقط باید تابعیت ایران داشته باشند

استاندار بوشهر گفت: براساس تصمیم رئیس جمهور مبنی بر لزوم اقامت مدیران در داخل کشور هر مدیر این استان که دارای تابعیتی غیر از ایران است باید نسبت به لغو تابعیت خارجی خود اقدام کند.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، احمد محمدی زاده افزود: براین اساس به مدیرانی که خود و یا فرزندان آنها اقامت خارج از کشور دارند ۲ ماه فرصت داده می‌شود تا نسبت به برگشت یا لغو تابعیت خود اقدام کنند. بدون تردید مدیران دارای تابعیت غیر از ایران که در این مدت اقدام لازم را انجام ندهند باید با مسئولیت مدیریتی خداحافظی کنند.

## راه حلی برای ایجاد اشتغال و تولید

**ایرج حیاتی**



این که خانواده ای انتظار داشته باشد که تا فرزندش لیسانس ویا فوق لیسانس ویا دکتری در یک رشته تحصیلی کسب کرد، به عنوان کارمند جذب یک سازمان دولتی بشود، با توجه به این که سیاستگذاری های دولت در جهت کاهش تصدی گری وهرچه سبک تر کردن بدنه دولت است، انتظار دور از نتیجه است. زیرا همیشه اقتصادی که به سمت بازار آزاد جهت گیری داشته باشد دیگر نقش دولت تنها سیاستگذاری وجهت دهی ونظارت بر بخش خصوصی است. درکشور ما که قرار است اقتصاد به سمت خصوصی شدن حرکت کند دیگر استخدام تنها در بخش نظامی و حاکمیتی و امور حفاظتی و مدیریتی به تعداد اندکی صورت می پذیرد و دیگر امور نظیر حمل و نقل دریایی و ریلی و زمینی و هوایی وکشاورزی و دامپروری وصنعتی و بهداشت و آموزش همه و همه به بخش خصوصی واگذار می شود.

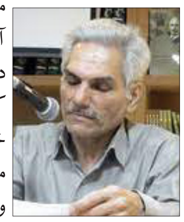
از آن جا که بخش خصوصی بدون حمایت مادی دولت قادر نمی باشد که به تنهایی سرمایه گذاری کند، اما قرار است که بانک ها با وام های کم بهره، سرمایه گذاری را پشتیبانی کنند. چنان چه یک شخص حقیقی تحت عنوان کارآفرینی با معرفی چند نفر این وام بانکی را دریافت کند و یک جایگاه پمپ بنزین را احداث کند فی نفسه کار خوبی هست اما اشکالاتی هم دارد. مانند عدم امنیت شغلی برای کارکنان این جایگاه و بهتر است که دست کم نصف مالکیت این جایگاه سوخت رسانی متعلق به کارگران این جایگاه باشد تا به تدریج با کار وتلاش خود وام بانکی را تصفیه کنند و در نهایت از شکاف طبقاتی هم جلوگیری شود.

از طرف دیگر اگر قرار است فرض کنیم برای جمع آوری زباله های یک شهر شرکتی احداث کرد و ماشین آلاتی را تهیه کرد بهتر است که در قالب تعاونی باشد و یکایک کارگران زحمتکش آن شرکت در حاصل کار و تلاش خود سهیم باشند. اینجا هم می شود مانند گزینه قبل که نیمی از سرمایه متعلق به سرمایه گذار باشد ونیمی دیگر که قرار است دولت وام پرداخت کند، برای خرید ماشین آلات به این کارگران اعطا کند تا هم امنیت شغلی داشته باشند و هم حاصلی از نتیجه زحمات خود بدست آورند و هم از شکاف طبقاتی جلوگیری شود. هر گاه کارگران بدانند که در نهایت پس از خلاصی از وام دریافتی، خود مالک ماشین آلات هستند با شور و شوق بیشتر و انگیزه بهتری از این ماشین آلات نگهداری می کنند. در مقیاس بزرگتر هم نظیر کشتیرانی و حمل و نقل و غیره هم این تعاونی هست که عدالت اجتماعی را با خود به همراه می آورد. اگر شما یک مدرسه غیرانتفاعی را تنها به یکی از فرهنگیان بدهید و ایشان حتی وامی هم با بهره کم به این مناسبت دریافت کند سپس تعدادی از معلم های همکار خود را در این مدرسه با حقوق بسیار کم به کار می گیرد، دراین صورت ایشان می شود یک کارفرمایی که تنها به تولید درآمد خود فکر می کند و حتی به حق و حقوق معلم های دیگر هم توجه ای ندارد و آنها هم انگیزه ای برای کار و تلاش ندارند و وقتی از نزدیک شاهد این هستند که خودشان با درآمد بسیار اندک، کار می کنند وکار فرما که از جنس خودشان هست در ماه درآمدی چندین برابر آنها دارد تحت تأثیر قرار می گیرند. این نکات قابل توجه هستند که می توانند تخریب عمیقی به همه مناسبات اجتماعی بزنند و مشکلات عمیق روحی و روانی در محیط کار ببار بیاورند.

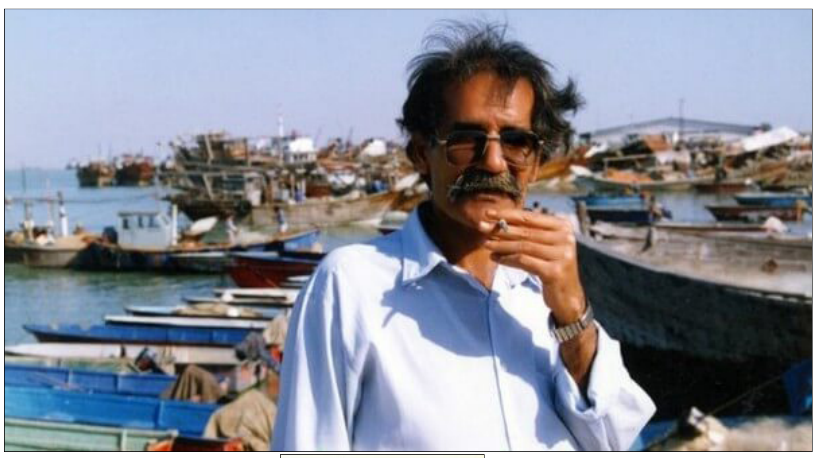
بوشهر در گذرگاه تاریخ و فرهنگ

## محمد بیابانی؛ در فراسوی اسطوره‌ها

**ابراهیم مهدی زاده**



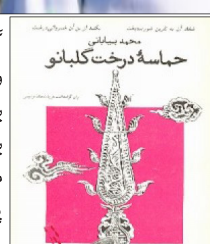
محمد بیابانی شاعری آرمانگرای بوشهری، در دهه ی ۴۰، ۵۰ و۶۰ است که تمام خلاقیت شاعرانه خود را در این آرمان هزینه می کند. او شاعری چند وجهی ست. هم بومی سرا ست هم آداب عزل را می داند و هم پیرو نیمای نام آور است. کمتر شاعری سراغ داریم که این سه سطح را با هم داشته باشد. از این منظر او شباهت زیادی به آتشی و خود نیما دارد. اما در آرمانخواهی و تعزل به دوست تهرانی اش سیاوش کسرایی نزدیک تر است. دهه شصت و زوال آرمانگرایی از نوع تفکر او، شاعر به فاصله کوتاهی گمشده خود را باز یافت و با "حماسه درخت گلبانو" به فضای شعری ایران باز می گردد. اسطوره و اساطیر "پلاتفرم" و سکوی پرش اوست تا ناگفته های جهان آرمانی خود را واگذارد و به قول فوتبال دوستان به بازی اصلی یعنی شعر "پیور" باز گردد. چیزی که کسرایی و دیگر دوستانش

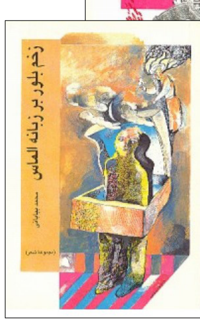


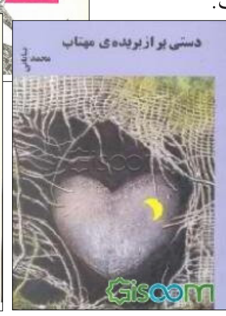
نتوانستند به شرایط مطلوب بازگردند. روزی که کتاب "حماسه درخت گلبانو" را با امضاء ایشان به زنده یاد هوشنگ گلشیری داستانویس دادم، با این که شعر شناس سخت گیری بود، گفت تبریک مرا به بیابانی ابلاغ کن که راه تازه ای را در شعر معاصر گشوده است.

همین طور زنده یاد دکتر رضا براهنی به فاصله کوتاهی، نظر مثبت خود را در مجله "گردون" و "آدینه" اعلام کرد. بیابانی واقعیت های موجود را به سمت فرا واقعی سوق داده و بسوی کمال مطلوب که همان اسطوره باشد، هدایت می کند. اما در این تغییر و تبدیل، راه را برای خواننده و مخاطب باز می گذارد که یکی از این دو سه سویه را انتخاب کند. این مخیل گذاری و انتخاب آزاد، در ادبیات اسطوره ای ما ایرانیان کمتر مورد توجه بوده است. این یعنی احترام به شعور خواننده و مخاطب. در حقیقت بیابانی ، در واگذاری، کارکرد اجتماعی شعرش، به نفع شعر متکی به تعریف اصلی شعر، یعنی هنر هدفی در خود است، با شجاعت اعلام و درنگ نمی کند. واکنش و استقبال اهالی شعر به این دفتر باور کردنی نبود. ورود به اسطوره و اساطیر در ادبیات بعد از انقلاب مشروطه مسبوق به سابقه است. مخصوصا در سال های دهه ۱۰ شمسی و شهریور بیست که اهالی هنر را متوجه این گنجینه عظیم در هنر باستان ایران زمین شدند. تألیفاتی در شاهنامه ابومنصوری و دقیقی و فردوسی انجام گرفت که منجر به هزار فردوسی در استان خراسان با حضور شخصیت های جهانی از قبیل رابینات تاگور از هندوستان و شاهنامه شناسان دانشگاه های غربی و مسکو با عظمت تمام به مدیریت استادان بهار، فروعی و نفیسی، حکمت، فرجام گرفت. هدایت و گروه ربعه مرکب از مسعود فرزاد، مجتبی مینوی و بزرگ علوی گام مهمی در این راستا برداشتند. بعد از شهریور بیست و پایان جنگ جهانی و ایجاد فضای باز و آزادی نسبی که نصیب اهالی هنر شد، در تئاتر عبدالحسین نوشین و بعدها دکتر مصطفی رحیمی و شاهرخ مسکوب و باز در تئاتر استاد بهرام بیضایی قدم های استواری در این راه گذاشتند. "تراژدی قدرت" از زنده یادان دکتر رحیمی و "سوگ سیاوش" را شاهرخ مسکوب به نثر، از این جمله است.

اما در شعر یکسره به این مهم پرداختن، بی اغراق با محمد بیابانی شروع و آغاز شد. از "حماسه درخت گلبانو" تا "زخم بر زبانه الماس" و "دستی پر از بریده مهتاب" ... بیابانی با اسطوره ها نرد عشق می بازد. در این سه دفتر که به جلو می آیم پختگی، عدم صراحت، پوشیدگی و رد پای اسطوره ها به موازات پرسشی از "چیستی هستی" و چرایی تولد و پیدایش اسطوره ها و دلبستگی انبوه مردم در فرازها وفراسوی پیروزی ها و شکست ها، رفته رفته در تن و جان خواننده، هم چون شبنی بین امید و یاس و حرمان می نشیند که درعین عبور از "جاده غمناک" زندگی ، به تعبیر صادق هدایت، دستمایه ای می شود که امید را به مخاطب هدیه می دهد و "صبح روشن" آدمی از خاکستر این ققنوس و آن ققنوس یا به عبارتی بهتر از این اسطوره به آن اسطوره امید را زنده نگاه می دارد. بعد از خوانش دفتر "سار صبور بر صنوبر آتش" محدود دوستان او، آتشی که به جان شاعر افتاد را، حس، و درد بی تحمل هر انسانی را، در بزرگ منشی اش را به استواری اسطوره هایش، به عینه می دیدند.




بیابانی در آغاز راه بود و اگر می ماند درخت تناوری درشعر پارسی می شد. اما بیابانی هنوز تمام نشده زیرا راهی که گشود آغاز کار شاعرانه اش هست. هست؟ آری هست...

زندگی آگاهانه

## مهارتهای ارتباطی: ادراک

**حسین زیرراهی - مدرس مهارتهای توسعه فردی**



شاید شما هم داستان فیل مولانا را شنیده باشید که چند نفر در تاریکی شب از هندوان خواستند اجازه دهند فیل را ببینند و هرکس با کشیدن دست بر بدن حیوان آن را به چیز تشبیه کرد. آن که پا را لمس کرده بود گفت شبیه ستون است، دیگری که گوش را گرفته بود گفت شبیه بادبزن است، کسی که خرطوم را گرفته بود گفت شبیه ناودان است و همین طور الی آخر. داستان فیل مولانا استعاره‌ای از شناخت ما از دنیا است. هر کدام از ما دنیا را به شکلی که خیلی هم محدود است درک می کنیم. چرا؟ چون مغز ما توان دریافت تمام اطلاعات محیط را ندارد. از میلیونها واحد اطلاعاتی که در آن واحد در محیط اطراف ما وجود دارد مغز فقط قسمت بسیار ناچیزی از آن که توسط حواس پنج گانه دریافت می کند را فیلتر کرده و به حافظه کوتاه مدت می‌دهد که آن هم بخش اعظم آن را کنار گذاشته و مقدار ناچیزی از آن را به حافظه بلند مدت می‌سپارد.

این که فرد تصمیم بگیرد چه اطلاعاتی را در مغز خود ذخیره کند تحت تاثیر عوامل متفاوت فراوانی است. مجموعه‌ای از عوامل شامل خانواده، جامعه، آموزش، رفاه، تحصیلات، منطقه جغرافیایی، مکان، زمان، حوادث، رخدادها، بیماریها و عوامل بیشمار دیگر است که دست به دست هم می‌دهد تا محتویات مغز او را بسازد. در نتیجه هر کس که پا در این دنیا می گذارد از بدو تولد تا پایان عمر تجربیات کاملا منحصر به فردی خواهد داشت که برای هیچ کس دیگری به همان صورت رخ نمی‌دهد.

این عوامل باعث می شود فرد افکار، باورها، طرز فکر، نگرش، جهان بینی، خواسته، آرزو و در نهایت دنیای مطلوب مختص خود داشته که شبیه هیچ کس دیگر نیست. نتیجه این که ما در مواجه با فردی دیگر تقریبا اطلاعی از دنیای او نداریم و نمی‌توانیم او را به درستی درک کنیم. در نتیجه دست به دامن قضاوت می‌شویم و با صفتی او را توصیف می کنیم.

این تفاوت دنیای درون مغز انسانها باعث می‌شود هرکس از دنیای مغز خود به دنیا نگاه می کند و انتظار داشته باشد دیگران هم مثل او دنیا را درک کنند. وقتی نمی‌توانیم دلیلی برای رفتار دیگران پیدا کنیم دست به دامن قضاوت کردن می‌شویم: دیوانه، بیشعور، پررو، بی‌جنبه، احمق، بی‌ملاحظه، مغرور، و هزاران صفتی که برای توصیف دیگران به کار می‌بریم. حال سوال این است که وقتی نمی‌توانیم دنیای دیگران را درک کنیم و حق نداریم آنها را قضاوت کنیم چه کار باید بکنیم؟ وقتی از فردی رفتاری سر می‌زند که از نظر ما نادرست یا ناشایست است این پاسخ ها به ما کمک زیادی می کند:

– من از گذشته او خبر ندارم. شاید اگر بدانم چه طور بزرگ شده است به جای تنفر برای او دلسوزی هم بکنم.

– از خواسته اکنون او هم خبر ندارم. اگر خلاف می‌کند یا قانون را رعایت نمی‌کند شاید مساله‌ای اورژانسی دارد که برایش مهم است.

– شاید او توان گفتن آن چه می‌خواهد را ندارد. خیلی از ما نمی‌توانیم خواسته‌مان را شفاف و راحت بگوییم.

– احتمالا شانس آموزش نداشته است. کسی به او یاد نداده است رفتار درست را انجام دهد.

– یا نمی‌داند یا نمی‌تواند. نمی‌داند یعنی آگاهی ندارد، نمی‌تواند زمانی است که می‌داند ولی توان انجام آن کار را ندارد مانند زمانی که فرد به انجام کار مضری اعتیاد دارد.

مصاحبه نسیم جنوب با مهدی انصاری فیلمنامه نویس در بوشهر:

## امکان کمی وجود دارد که افق پیش روی فعالیت هایی سینمایی در بوشهر روشن باشد




**– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید و از سابقه هنری خودتان بگویید.**

– مهدی انصاری هستم و از تئاتر دانش آموزی در مدرسه شهید مطهری شروع کردم و این شانس را داشتم که اولین کار حرفه ای خودم را با استاد ایرج صغیری شروع کنم. تجربه بسیار ارزشمندی بود. مثل خیلی از هنرمندان دیگر مدت ها کاتبش بودم و از مقاله تا قصه و نمایشنامه و سریال را برای استاد مکتوب می کردم. بعدها تحصیلات تکمیلی خودم را در ادبیات نمایشی گذراندم و از راهنمایی های استاد فرید میرشکار در کارگاه داستان بهره بردم. نمایشنامه، داستان و فیلمنامه درس می دهم و کارگاه ادبی «جنوبِ داستان» را به کمک دوستانم برپا کردم.

**– اصولا سینما در زندگی مردم بوشهر نقشی داشته است؟**

– بی شک. سینما در بوشهر هم قدمت بسیاری دارد و هم محبوبیت بسیاری. اگر خاطرات مردم عادی بوشهر رو از سینما ساحل و سینما فانوس(بهمن) بشنوید شیفته این قصه ها می شوید. من دقیقا یادم است صف طولانی فیلم عروس رو که تا روبروی کانون تربیتی کشیده شده بود و مردم منتظر ورود به سینما بودند. یا سینما روباز کمپ صدف نیروگاه اتمی که ما از هلیله می رفتیم و آنجا فیلم می دیدیم. من آنسوی آتش کیانوش عیاری را اونجا دیدم.

**– تمرکزگرایی فعالیت های سینمایی کشور در پایتخت را چگونه ارزیابی می کنید؟**

– متاسفانه مثل تمام موارد دیگر از فعالیت های اقتصادی و نفتی بگیر تا حوزه فرهنگ و ورزش همه چیز به سمت پایتخت کشیده می شود. پایتختی که اگر مواظب نباشی حتی فرهنگ شهر و استانت را تجزیه کرده و در خود هضم می کند. بنابراین شما می بینید فیلمسازی مثل احسان عبدی پور که نبضش برای بوشهر و در بوشهر می تپد مجبور است در تهران باشد. و این بسیار ضربه می زند به کسانی که امکان آمدن از مرزها و حاشیه های جغرافیایی کشور به پایتخت را ندارند.

**– موقعیت جغرافیایی و تاریخی بوشهر، چه پتانسیلی برای سینمای ایران دارد؟**

– ما در بوشهر همه چیز داریم. قصه تا دلت بخواهد، کارگردان فیلم کوتاه به همین شکل، کارگردان فیلم بلند به همین سیاق. اما سینما هنری است که بسیار گران است و پیوندی اساسی با سرمایه دارد و متاسفانه استان ما در این زمینه محروم نگه داشته شده و همیشه چشممان به دست مرکزنشینان است که کی دلشان بسوزد و از حق خودمان چند سکه ای در کاسه بودجه های استانی بیاندازند. فرهنگ و هنر آخرین اولویت است و خواهد بود.

**– چرا بعد از چند فیلم سینمایی محدود، سالهاست شاهد ساخت فیلم سینمایی موفق در بوشهر نیستیم؟**

– به دلایلی که در بالا اشاره کردم. نبود اراده ای قوی در مسوولان فرهنگی و رده بالای استان و بی مهری های مرکز نشینان.

**– افق پیش روی فعالیت هایی سینمایی را در بوشهر چگونه می بینید؟**

– همه تلاشی که فیلمسازان ما انجام می دهند ۹۰ درصدش شخصی است وگرنه کدام دستگاه فرهنگی است که در این وانفسا بتواند بودجه یک فیلم کوتاه را تامین کند. از آخرین سریال شبکه استانی چند سال می گذرد؟ افق می تواند روشن باشد و این صرفا یک امکان است. امکانی تقریبا اندک.

**– سخن پایانی؟**

– امیدوارم فیلمسازان ما آن فیلم هنوز نساخته خود را بسازند. فیلمی که بتواند از گزند زمان در امان بماند.

مصاحبه نسیم جنوب با محمد لطفی نویسنده و کارگردان بوشهری:

## تا زمانی که سینماگران ما به گیشه چشم دوخته‌اند، اثر فاخری را نخواهیم دید



**– به نظر شما، به عنوان یک مخاطب و بیننده، در سینما و دیدن فیلم باید بدنبال چه باشیم؟**

– با درود بر روح نوازی نسیم جنوب در فصل عطشانی فرهنگ وهنر، طبعا هر مخاطب سینما بدنبال یک اثر در خور، یک فیلم با مضامینی که حرف دل جامعه است می گردد، چیزی که در سینمای ما یا بی رنگ است یا خیلی کم رنگ، هر چند سینما یک صنعت است و با فرآیندهای این صنعت دوستان فیلمساز به نحوی خواسته اند به کمک همین جلوه ها مخاطب را به سینما بکشانند اما متأسفانه این اتفاق نیفتاده، مضافا این که در عصر جدید وتکنولوژی ها آرام آرام سینما نیز از مدار همیشگی خارج شده و اغراق نیست که بگویم در آینده ای نه چندان دور همین مخاطب اندک را نیز از دست خواهد داد و به جشنواره ها و... بسنده خواهد کرد، وقتی شما در خانه به روزترین فیلم ها را می توانید به کمک امکانات روز ببینید خوب دیگر وضعیت معلوم است، مخاطب سینما در هر دو رویکرد یعنی دیدن فیلم بدنبال اثریست که او را درگیر کند، هم ذات پنداری ورزد، آن قدر اثر گیرا و جذب کننده باشد که تماشاگر را از درون به فکر وادارد ، ارایه طریق کند، پیام آورباشد، زبان مردم کوچه و بازار، مردم فرودست باشد هر چند نمادین، چیزی که الان ما یا نمی بینم یا در حد شعار ورعایت خطوط قرمز کات می خورد

**– سینما چه تاثیراتی می تواند بر روی زندگی ما بگذارد؟**

– مسلماً بی تاثیر نیست، به ویژه بر نسل جوان، بگذارید راحتر بگویم، تاثیر سینما آن گونه است که برای انتقال مفاهیم بر جامعه انسانی هزینه هایی انجام میگرید که به شگفت وامیدارد انسان را، در نظر بگیرید که برای تولید یک فیلم تمام ابعاد جامعه شناسی را از قبل طراحی میکنند ،تاریخ را جغرافیا را شخصیت فردی و جمعی را و... بنابراین پر واضح روشن است که تاثیرات سینما بر چرخه ی زندگی چگونه است، اغراق نیست که بگویم گاه سینما دخل و تصرف در بخش های از زندگی داشته و دارد که خود به خود محل الگو می گردد، وگاه این تاثیر پذیری عواقب خوب و بدی را بهمراه داشته است، من این را نمی پسندم، از منظر من هنر یعنی وحدت و یگانگی ،یعنی امید، یعنی ما هستیم تا با هم وبرای هم عشق را تکثیر کنیم که زیستن بدون عشق ورزیدن تراژدی تلخی کامی هاست... هنر چه سینما و سایر یعنی درخت دوستی بنشان...

**– سینمای کنونی در کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟**

– آن چه عیان است چه حاجت به بیان است، سالهاست مقوله فرهنگ و هنر در جامعه ما در سی سی یو است، فیلمسازان مطرح یا هجرت کرده اند یا عزلت نشین،آن چه امروز به عنوان سینما مطرح است کپی پیست هایی است،که هی دوره می شوند، جشنواره ها ویترین تولیدات آثار هنری اند، در این چند سال در کدام جشنواره فیلمی را دیده ایم که بتوان از آن به عنوان یک اثر فاخر نام برد، سینماگران ما تا زمانی که به گیشه چشم دوخته اند اثر قابل بحثی را نخواهیم دید، الان چند بازیگر چند فیلم نامه نویس چند کارگردان را می توان مثال زد که بتوانیم بگویم جایگزینی مناسب برای بزرگان این عرصه اند؟

**– شما به عنوان یک نویسنده و هنرمند، چه انتظاری از سینمای کشور دارید؟**

– همان انتظاری که یک باغبان از باغ، من سینما را در هر ژانر معلمی می بینم که بایست مشق زندگی، ره نشان صلح و دوستی، و از همه مهمتر یادمان بیاورد که همه ما در یک جهانیم، خانواده ای بنام زمین، پس رسالت سینما مهرورزی، کمک به یکدیگر و ترویج اندیشه و خرد و در یک کلام تربیت انسان باشد.

**– تمرکزگرایی فعالیت های سینمایی کشور در پایتخت، چه عواقبی برای هنر و ادبیات و ... سایر نقاط کشور دارد؟**

– البته چند دوره ای است که از سر عدم اقبال عمومی از آثار اکران جشنواره را استانها هم می آورند تا مثلاً بگویند تمرکز زدایی می کنند اما این همه ماجرا نیست، اصل قصه آنست که شما اثر هنری که مالامال از ادبیات این سرزمین باشد را واقعا روی پرده نمی‌بینی چرا نبایست ادبیات عامه، بصورت کاملا ریالیسم را به دقت نظر به نئورئالیسم و هدفمند و جهان‌شمول تبدیل کنیم، تاسف آورتر این که فعالیت های سینمایی در پای (تخت) مثل خیلی از موارد فرهنگ و هنر ابتر مانده است و روند فعلی جز مأیوس کردن علاقمندان در شهرهایی مثل شهر ما که برای خود تاریخی در این عرصه دارد چیزی در بر نداشته است، چرا نباید عدالت اجتماعی، فرهنگی و هنری در عموم زمینه ها خصوصا در اختصاص بودجه و... مواردی از این قبیل، ایرانی باشد قبل که تهران...، شما به افتخارات هنرمندان دیار خودمان بنگرید، مثلا باید چه شق القمری کنند تا دیده شدن و حمایتی برابر با تهران بزرگ!!!

**– سخن پایانی؟**

– سپاسگزارم از شما، امیدوارم روزی رؤیاهایم را در عرصه فرهنگ و هنر در بیداری دنبال کنم...

## شهر تشنه، شهر خسته

**مجید فخریان**

اَمیر نادری برای ساخت فیلمی درباره‌ی کودکی خود، به تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، به بوشهر سفر می‌کند. می‌خواهد داستان آن لحظه‌ای را بسازد که عاشق شد. عاشق یک دست. دست‌های دختری جوان. فیلم درباره‌ی کودکی است که در گرمای تندِ تابستان پاپتی می‌دود. در کوچه پس کوچه‌هایی که دیوارهایش از خشت هستند و زمینش از ماسه. هر روز برای مقداری یخ که به خانه بیاورد، درِ خانه‌ی همسایه‌اش را می‌زند و دست‌های دختریِ جوان از میان در، کاسه یخی را به او برمی‌گرداند. همین که پسر قصد می‌کند دست‌های این دختر را در دست بگیرد، دستان ناجور پیرزنی به جایِ آن دست باکره، از میان در رؤیت می‌شود. اَمیر نادری سال گذشته در «ژرژ پمپیدو» درباره‌ی این فیلم توضیحاتی داد: «شهر تشنه، شهر خسته، شهری که جوان‌هایش را زود پیر می‌کند.»

«حسن حیدری» بازیگر نقشِ کودکِ فیلم را سه سال پیش یافتم و با او گپی زَدم. خانه‌اش نزدیک به جایی بود که نادری «انتظار» را ساخت. هرچند دیگر خبری از آن معماریِ درون فیلم نبود. نشست و فیلم را تعریف کرد. ذره‌ذره‌اش را. اما در آخر گفت فیلم را جز در جشنواره تهران، در سال ۱۳۵۳ دیگر ندیده است و نسخه‌ای از فیلم ندارد.

سپس از آشنایی‌اش با نادری گفت. از خاطرات‌شان، از فیروز ملک‌زاده، از سفرش به تهران و در آخر دل‌خوری‌اش از همه‌ی آن عوامل که او را تنها گذاشتند. او در تمامِ این



سال‌ها از سینما جدا شده بود با این حال در حرفه‌اش آدم موفقی، اما همان ابتدا وقتی‌که فیلم را با جزئَیاتی ریز تعریف می‌کرد، و حتی جملاتی از آلبرتو باربارا، مدیر فستیوال ونیز را که در اینترنت هست، بهمان می‌گفت، مشخص بود که حسن حیدری تمامِ این سال‌ها مخفیانه و در خودش، در حال مرورَ این فیلم است که نکند روزی از یادش برود. می‌ماند یک نکته که برای من تلخ و قابل تأمل بود، گویی که او و خانواده‌اش می‌دانستند این فیلم او را به جایی نخواهد رساند؛ حسن حیدری تعریف می‌کرد روزی که می‌خواست عازم تهران شود، عمه‌اش نامه‌ای دست او داد که در جشنواره دست فرح پهلوی برساند.

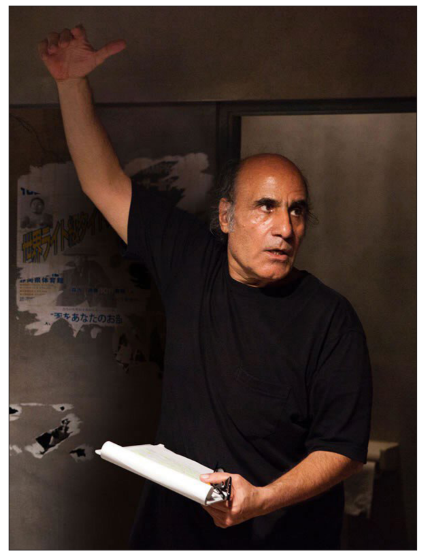
حالا چگونه است که دوربینِ سی‌وپنج میلیمتری کانون که پشت آن فیلمبردَار گران‌قدری مثل فیروز ملک‌زاده نشسته بود، نتوانست حسن حیدری را رستگار کند. اما دوربینِ هشت میلیمتری سینمای آزاد زمینه‌ساز نزدیکیِ بسیاری از جوانان گمنام با یکدیگر شد؟

کیانوش عیاری می‌گوید «شگون». شاید. اما آخر این چه شگونی است که از فیلم‌های سینمای آزاد تعدادِ کمی در دست است ولی فیلم‌های کانون بعضَاً با بهترین کیفیت دست به دست می‌شوند؟ به فاصله کمی از نوشتن متن پیش رو، متن و کامنت‌هایی می‌خواندم که هرگونه تحقیق و میزگرد درباره‌ی سینمای آزاد، سینمایی که نیست، را خودنمایی می‌خواندند. وقتی با این چنین مواردی روبه‌رو شدم، یادِ لحظه‌ای افتادم که حسن حیدری با شور و شوق و هیجان، «انتظار» را به ما «منتقل می‌کرد.» حیدری فکر می‌کرد نسخه‌ای از فیلم نیست. و به همین خاطر شتاب داشت که هرچه زودتر حافظه‌اش را با حافظه‌ی دیگری به اشتراک بگذارد. قطعاً او «اسکله» (کریس مارکر) را ندیده بود اما آشکارا به یک شخصیت مارکری بدل شده بود. ما چه؟ این اجازه را هم نداریم که یادداشت‌شان کنیم؟

منبع: فیدان فیلم

پیام امیر نادری به مناسبت اکران فیلم انتظار پس از ۴۷ سال در بوشهر

# خیلی شانس آوردم که فیلم «تنگسیر» و فیلم «انتظار» را در بوشهر ساختم

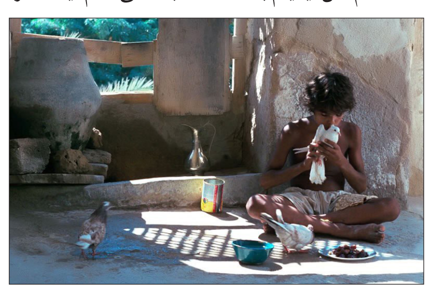


امیر نادری فیلمساز برجسته بمناسبت اکران فیلم «انتظار» در انجمن سینمای جوانان استان بوشهر در اسفند ماه ۱۴۰۰ طی یک ویدویی خطاب به همه هنرمندان ایران گفت:

دوران رشدی بود در من، با عشق به هستی و به بودن، به جوانی، به نور، به دست، به حنا.

این فیلم رو ساختم. خیلی فیلم عجیبی بود . من همیشه غصه دوتا فیلم رو می خوردم. فیلم انتظار و فیلم مرثیه. فیلم مرثیه نمی دونم چی شد، از بین رفت. یه جایی یه بار یه کپی درب و داغون ازش دیدم، اصلا نمی دونم هستش نیستش. هروقت یادش می افتم ناراحت میشم. صحبتش رو نکنیم. انتظار رو خداروشکر که شما جوان ها بالاخره زیر پرو بالش رو گرفتید بعد از ۴۷ سال. انتظار یکی از عزیزترین فیلم های من در زندگیمه و یکی از عزیزترین فیلم های که اون موقع ساختم که خاطره اش برام هست، البته من آدم خاطره بازی نیستم ولی منظورم اینه که دورانی که این فیلم رو می ساختم چطوری من در یک فرم خیلی خیلی تازه ای افتاده بودم، یک تفکر تازه ای راجب سینما {پیدا کرده بودم}، در واقع انتظار شروع فیلمسازی من در زندگی و کار فیلمسازیم بود و بازم می گم خدارو شکر که شما جوان ها الان چند ساله به این فیلم کمک کردید {که دیده بشه}. شما بچه های بوشهر هستید می دونم، بچه های خوزستان، بچه های تهران و بچه های شهرهای دیگه بهر حال «انتظار» مدتی هست که جوان ها می بینش و کپی خوب درست کرده کانون که من خیلی ازش ممنونم. کات.

یک اینستاگرامی هست به اسم من توی ایران که من اصلا روحم خبر نداره من اصلا نمی دونم اینستاگرام و فیسبوک یعنی چی. اصلا هیچوقت با این ها رابطه ای ندارم. من ایمیلم به زور رد و بدل می کنم. یک نفر



یک بار به من گفت که حسن حیدری اکتور فیلم من، دنبال من هست و توی اون صفحه اینستاگرام برای من پیام میذاره که من هیچوقت ندیدم و معذرت می خوام که هیچ وقت جواب ندادم چون اصلا روحم هم خبر نداشت. کات .

پیدا کردن حسن حیدری این اکتور خوب من که الان توی عکسی که شما فرستادید اصلا من شوکه شدم. این اون آدمه، ماشاالله که سرحال بود و نمی دونم الان چند سالش هست. پیدا کردنش خیلی مشکل بود برای این فیلم چون این فیلم انتظار خاطره این بلوغ من بود. رسیدن بلوغ من در زندگی از لحاظ فیزیکی و بدنم و فکرم. پیدا کردن حسن خیلی مشکل بود. خیلی گشتم توی بوشهر، پیدا نمی کردم اونی که می خواستم. حسن حیدری رو من با دوربین توی آب پیدا کردم که داشت شنا می کرد با چندتا از بچه ها. توی آب پیدا کردم. یادمه وقتی باهاش صحبت کردم خیلی تعجب کرد که این آقا از من چی می خواد. بالاخره آدرس بهش دادم اومد به اون هتلی که دفترمون بود و بالاخره آوردمش توی این فیلم. ولی وقتی آوردمش باید موهاشو درست می کردم باید دندونش رو تمیز می کردم و هر روز برای فیلم برداری به تنش روغن می مالیدم چون می خواستم این بچه بوی شعر بده، بوی اون جوانی که دیگه میره که بعدا بسوزه در آخر فیلم، مثل همه ما که توی ایران این حالت رو داریم، البته بیشترمون درواقع. این فیلم رو می خواستم بدون دیالوگ بسازم و می خواستم دیالوگ فقط نگاه این



بچه باشه و زبون این بچه فقط توی چشمش باشه، در حرکت بدنش باشه در دستش باشه در طرز نشستنش باشه، در جوری که نگاه می کنه، در جوری که فکر می کنه، در تمام نیاز بدنش، فیزیک بدنش، عشقش، وجودش و تمام این چیزهایی که آدم در سن بلوغ داره رو بروز میده میخواستم توی این نگاه باشه. خوشبختانه حسن فوق العاده بود. کاری می کردم که از این سه تا دخترها دور نگهش دارم و بعد وقتی که هندونه قاش می کردم که بره و بده به اون ها یا به اون ها می گفتم که یه خورده باهاش صحبت کنند و کم کم دیدم که روی حسن اثر گذاشته بودن. کات .

برای پیدا کردن دخترها خیلی جالب بود. من دنبال دست قشنگ می گشتم. دستی که بتونم ازش به عنوان یک شعر استفاده کنم. خیلی گشتم خیلی گشتم بدون اغراق شاید ۲۰۰ تا دست دختر توی مدرسه ها دیدم تا این سه تا دستو پیدا کردم. این سه تا دختر رو پیدا کردم. از تهران آوردم بوشهر. کات.

بوشهر یکی از عزیزترین شهرهای من که همیشه دوست داشتم و دارم و خواهم داشت. اصلا الان نمی دونم اون دهدشتی، بهبهونی و ... اون درخت نزدیک خونه ملک اصلا هست یا نه ولی بطور کلی بوشهر یک شهر پیر یک شهری که با خودش خاطره زندگی از گذشته داره یه شهر سکوت، یه شهری که دائما توی کوچه هاش صدای باد میاد، من خیلی دوست داشتم و خیلی شانس آوردم که فیلم تنگسیر و این فیلم رو اونجا ساختم. کات.

اصغر مزینانی و هوشنگ کاظمی که مدیر تهیه این فیلم بودند ... اینها این وسایلی که من می خواستم رو از شیراز آوردن، نبود توی بوشهر... توی اون صحنه عاشورا که همش رو ساختم. همه رو آوردم همه بدن ها رو لخت کردم که سینه بزنند. خیلی خیلی کار مشکلی بود بوجود آوردن این فیلم بدون زبان که هر تصویرش من می خواستم زبان خودش رو داشته باشه. می خواستم یک فیلم بدون دیالوگ بسازم به خاطر این که همه اعتمادم به نگاه و چشم این بچه بود و فیزیک این بچه بود و حرکت بدن این بچه بود و جوری که خودش رو در گیر می کرد با دست این دخترها یا با اون خاله پیرش یا با رفتن و آب آوردن و یا با پیرمردی که کنار آب نشسته یا هر چیز دیگری. کات .

یه فیلم بردار ماه داشتم که نمی دونم الان کجاست، فیروز ملک زاده که بعدا باهاش فیلم «دونده» هم کار کردم. ملک زاده بهش گفتم که من می خوام هیچ نوری توی این فیلم استفاده نکنیم. پس ما منتظر می شدم که هر روز نور بیاد روی دیوار بیافته یا هر نور دیگه ای که توی فیلم می خواستم توی کوچه ها و ... در یک ساعت بخصوص ما می آمدیم فیلمبرداری می کردیم و اگر اشتباهی می شد، دوباره باز ما باید فردا می آمدیم. بخاطر همین من تقریبا نزدیک به چهل روز این فیلم رو فیلم برداری کردم. از ملک زاده خیلی خیلی ممنونم که بهم کمک کرد. کات.

این فیلم راجب دوران بلوغ و رویای بچگی به بلوغه که با اون دست پیرزن در آخر {دیده میشه} و اون اسبی که عبور می کنه، نمی دونم این ها چه طور به ذهن من اومد چطوری من اینها رو بوجود آوردم. فقط تنها چیزی که می خوام بگم این فیلم مال ۴۷ سال قبله، اصلا نمی تونید تصور کنید که موقعیت سینمای ایران اون موقع چگونه بود. البته چندتا فیلم ساز از بچه های خودمون داشتن کارهایی می کردند ولی خب چهارتا پنج تا بیشتر نبودند. خیلی فیلم ریسکی بود و یادتون باشه که من سه تا فیلم حرفه ای ساخته بودم. تنگسیر و تنگنا و ... که خیلی هم دوست داشتم و یک مرتبه اون ها رو با تمام اون بودجه ها و تمام امکانات ول کردم و اومدن توی کانون که شاید برای ساختن یک فیلم پولی نمی دادند ولی امکانات بهت می دادند و میذاشتند که تو حرف خودتو بزنی و کار خودت رو بکنی و هرکاری که میخوای بکنی انجام بدی. من از کانون و ابراهیم فروزش که مدیر تولید این فیلم بود در کانون خیلی خیلی ممنونم. بنیانگذار کانون هم آقای شیروانلو خدا بیامرزتش. من فکر می کنم سینمای مدرن



ایران به آقای شیروانلو، آقای فروزش مدیونه در واقع. و وقتی داستانم رو دادم به این ها {کانون} ، { فیلم نامه} چند صفحه بیشتر نبود. گفتند چطوری میخوای این فیلم رو بسازی؟ گفتم می خوام برم بوشهر. تمام بوشهر رو این ها مهیا کردن که من برم اون جاهایی که بتونم فیلم برداری کنم، چون بوشهر یک شهر تاریخی بود و من تونستم این فیلم رو بسازم . خیلی خیلی از کانون ممنونم که اجازه دادند من این فیلم رو بسازم ولی این فیلم گم شد و من ناامید شده بودم. من مثل مرثیه گفتم دیگه این فیلم رو نمی بینم یا نخواهم دید یا نسل جوان نخواهد دید و خداروشکر که رسید به جایی که شما بچه ها این فیلم رو نجات دادید.

من بیشتر از این نمی تونم صحبت کنم. حسن حیدری برات یه چندتا عکسم فرستادم الان که به یادگار داشته باشی از این فیلم. {عکس ها}مال خودم نیست این ها در ژاپن درست کردن برای نشون دادن این فیلم در فستیوال ژاپن. قربون همگی موفق باشید. این فیلم رو نشون بدید و امیدوارم که نسل جوان فیلم ساز مخصوصا نسل جوان بچه های جنوب، بوشهر، آبادان، اهواز و تمام اون خطه بتونن این بو و شعر زندگی اون خطه رو همیشه توی آثارشون بیارن و ما چشممون در آینده به اون هاست. قربونتون بشم. کات.

## گفتمان انسان، معماری و احساس در فیلم انتظار

عبدالرحمن برزگر



فیلم«انتظار» سال ۱۳۵۳ به نویسندگی و کارگردانی امیر نادری و تهیه کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در بافت تاریخی بوشهر ساخته شد و در جشنواره‌های جهانی خوش درخشید، اما بنابه دلایلی تاکنون در ایران نمایش داده نشده بود.

با توجه به رایزنی ها و ارتباط دوستانه با کارگردان فیلم به همت انجمن سینمای جوانان استان بوشهر، برای نخستین بار و با حضور پیشکسوتان سینمای بوشهر درسینما رو باز داریوش غریب زاده در اسفند ماه ۱۴۰۰ اکران شد.

مهمانان ویژه نمایش این فیلم، خورشید فقیه، احمد آرام، حسین دهقانی، بهرام سعادت مهر، حشمت غضنفر و بازیگر بوشهری این فیلم حسن حیدری بود که در زمان فیلمبرداری ۱۲سال داشت.

او از خاطرات و تجربه‌هایش از پشت صحنه فیلم و حضور امیر نادری در بوشهر سخن گفت.

مهدی انصاری، مدرس سینما از نحوه پیداکردن حسن حیدری گفت و به بازی خوب و تاثیر گذار این بازیگر در این فیلم بدون دیالوگ اشاره کرد.

مجید فخریان منتقد و مدرس سینما هم گفت: درسی که نادری به ما می‌دهد این است که چطور می‌توان حال و هوای اقلیمی و فرهنگی یک منطقه را با فرم و روایت یک فیلم همراه کرد.

در ادامه ویدئویی اختصاصی از امیر نادری که برای اکران انتظار ضبط شده بود، به نمایش درآمد.

نادری در این ویدئو از چگونگی ساخت فیلم انتظار گفت نادری از اینکه فیلمش بعد از سال‌ها در بوشهر به نمایش درآمده ابراز خوشحالی کرد.

انتظار فیلمی ۴۶ دقیقه‌ای درباره بلوغ است که از زوایای مختلف روابط انسانی و همچنین معماری بی نظیر در بافت تاریخی بوشهر به عنوان عنصر کلامی بهره برده است.

این فیلم سال ۲۰۰۸ همراه با دو فیلم دیگر نادری، دونده و آب، باد، خاک در مراسم بزرگداشت او درسی‌امین سال برگزاری جشنواره فیلم سه قاره نانت، نمایش داده شد. امیر نادری برای این فیلم از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان کن در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) جایزه گرفت.

با توجه به استقبال گسترده از اکران این فیلم پس از کسب مجوز از کارگردان بار دیگر با حضور جمع کثیری از پیشکسوتان آموزش و پرورش اکران گردید.

مصاحبه با مهدی غضنفری نویسنده و منتقد فیلم:

## فقط توقع دارم، سینمای کشور طاقت بیاورد و زنده بماند



**– به نظر شما، به عنوان یک مخاطب و بیننده، در سینما و دیدن فیلم باید به دنبال چه باشیم؟**

– اگر جهان ده میلیارد جمعیت داشته باشد. حداقل یک میلیارد جمعیت جهان در حال حاضر مخاطب سینما و جهان تصویر هستند. از این یک میلیارد جمعیت جهان بیش از ۸۰۰ میلیون نفر سینما را برای سر گرمی و اوقات فراغت دنبال می کنند. اما بیش از ۱۰۰میلیون نفر نیز هستند که «عشق فیلم» اند که بی محابا به سینما می روند و فیلم می بینند. چرا؟ چون به سوپر استار بازیگرهای سینما خیلی علاقمندند و تمایل بسیار دارند که روزی سوپر استار بازیگر سینما شوند. اما جمعیت خیلی کمی (شاید ده میلیون) از علاقمندان سینما در جهان نیز هستند که «فیلم بین حرفه ای» محسوب می شوند. این افراد مقوله فیلمنامه نویسی، کارگردانی و فیلمبرداری... همراه با هنر بازیگری نیز مسئله شان است. در هنگام فیلم دیدن برایشان در بخش اول استراتژی (فرم فیلم) و در بخش دوم ایدئولوژی (مضمون یا پیام یا مفهوم) فیلم خیلی مهم است. پس برای نگارنده بعنوان یک فیلم بین حرفه ای آن چه مهم است اول فرم فیلم و دوم مفهوم فیلم است. اول فیلم «چگونه» دارد حرفش را بیان می کند و دوم فیلم «چه» می خواهد بگوید.

**– سینما چه تاثیراتی می تواند بر روی زندگی ما بگذارد؟**

– همه آثار هنری و در اینجا سینما تاثیری شگرف در زندگی همه مردمان دارد. برای طبقه میانی یا متوسط شهری (حتی طبقه فرو و فرا دست هر جامعه ای) که عمده مخاطب سینما در همه جهان در پایتخت ها، شهرهای بزرگ و مراکز استان ها و یا ایالت ها هستند. زندگی بدون سینما و آثار تصویری تقریبا امکان پذیر نیست. آنان هم بر سینما تاثیر می گذارند و هم به شدت از سینما تاثیر می پذیرند.

**– سینمای کنونی در کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟**

– اگر جمعیت ایران را ۸۰ میلیون بدانیم. حداقل ۳۰ میلیون از این جمعیت مخاطب بالقوه سینما و سینمای ایران است. اما در بهترین حالت کمتر از سه میلیون نفر از این جمعیت بالفعل در سال به سینما می روند آن هم دیدن حداکثر پنج فیلم در سال که به احتمال زیاد سه تایش کمدی است. طبعا به دلیل کرونا و وضعیت اقتصادی بغرنج و هولناک سالهای اخیر (که از سال ۱۳۹۷ شروع و تا هم اکنون ادامه دارد) همین مخاطب اندک (نسبت به کل جمعیت و جمعیتی که بالقوه امکان سینما رفتن را دارد) هم دچار ریزش شدید شده است آمار کم فروش فیلم ها نسبت به سالهای قبل نیز علی رغم افزایش قیمت بلیط همین واقعیت را نشان می دهد.

**– شما به عنوان یک نویسنده و هنرمند، چه انتظاری از سینمای کشور دارید؟**

– به عنوان یک فیلم بین حرفه ای فقط توقع دارم، سینمای کشور طاقت بیاورد و زنده بماند. همین! چرا؟ چون شاید از این ستون به آن ستون فرجی باشد! دولت فعلی به شکل عجیبی به سینمایی که بدلیل کرونا فقیر و لاغر شده است گیرهای جوراجور می دهد. هم خانه سینما زیر فشار شدید است و هم بسیاری از سینماگران درگیر اِن قلت های آقایان هستند. واقعا چرا ؟

**– تمرکزگرایی فعالیت های سینمایی کشور در پایتخت، را چگونه ارزیابی می کنید؟**

–واقعیت این است که سالهاست در ایران و بسیاری از کشورهای در حال توسعه همه چیز به پایتخت ها ختم می شود. نود درصد فیلم ها کاراکترهایی تهرانی یا تهران نشین دارند. چرا ؟ چون همه امکانات سخت افزاری (سالن های بسیار سینما، تجهیزات...) و نرم افزاری (سرمایه و آدم های حرفه ای..) در پایتخت است.

**– سخن پایانی؟**

– جنوب ایران، استان بوشهر و شهر بوشهر در صورت پیدا شدن سرمایه، به دلیل غنای فرهنگی و داستان های جالب مردمانش همیشه و بالقوه امکان فیلمسازی حتی با موفقیت جهانی را دارد. خوب است متولیان امر، فکری برای این مهم نیز داشته باشند.

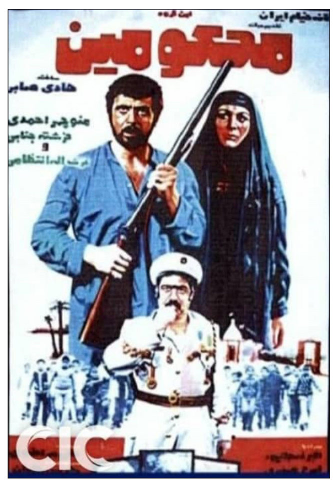
# فیلمهای بوشهری سینمای ایران

اسماعیل بهبهانی



از همان روزی که اولین سالن عمومی سینما با نام سینما درخشان توسط میرزا یحیی فیروزی در سال۱۲۹۸ ش راه اندازی شد تا چهارده سال بعد که محمد غوث اولین سینمای خود را افتتاح کرد تا بوشهر از اولین شهرهای دارای سالن سینما در کشور شود و تماشاگران فیلمهای روز دنیا و همچنین اولین فیلمهای تولید شده توسط فیلمسازان ایرانی مانند آوانس اوگانیانس (آبی و رابی۱۳۰۸ و حاجی آقا آکتور سینما ۱۳۱۱) و عبدالحسین سپنتا (دخترلر۱۳۱۱) و... را بر پرده نقره‌ای ببینند بسیاری از مخاطبان سینما آرزو داشتند تا خود، همشهریان و یا فضاها و مناظر آشنای شهر و دیار خود را هم در این فیلمها شاهد باشند.

بوشهری های خوش ذوق حدود سه دهه انتظار کشیدند تا در سال ۱۳۳۹ مهدی رئیس فیروز (تهیه کننده و کارگردان) بخش های از فیلم«مروارید سیاه» را در بوشهر فیلمبرداری کند و آنها اولین چهره




ها و مناظر آشنا را در سالن تاریک تماشا کنند. پس از آن محمدعلی فردین هم در سال ۱۳۴۱ بخش هایی از فیلم «گرگهای گرسنه» را در بوشهر ساخت.

کمبود امکانات فنی و رفاهی، مهمترین علت کم رغبتی گروه‌های فیلمسازی برای انتخاب بوشهر به عنوان محل فیلمبرداری فیلمهای خود بود.

اما از سالهای میانی دهه چهل و با ساخت مهمانسرا و هتل و تغییرات فضای شهری بوشهر، ساخت خیابان ها و ساختمان های جدید و... همچنین انجام برق کشی معابر و کوچه ها، تعدادی از فیلمسازان بوشهر را به عنوان محل اصلی فیلمبرداری و یا به اصطلاح لوکیشن بخشی از فیلم خود انتخاب کردند.

در اوایل دهه پنجاه فیلم «ناخدا» به کارگردانی امیر شروان و با حضور ستارگان روز سینما: ناصرملک مطیعی- فروزان- احمد معینی- رحیم روشنیان- سرور رجایی و... منوچهر وثوق به تمامی در بوشهر فیلمبرداری شد.

در سال۱۳۵۲ یکی از ماندگارترین آثار سینمای ایران فیلم «تنگسیر» را امیرنادری براساس داستانی بومی و محلی نوشته صادق چوبک در بوشهر جلوی دوربین برد در این فیلم بهروز وثوقی، نوری کسرایی، جعفر والی، عنایت بخشی، رضارخشانی، مهری ودادیان، حسین امیرفضلی، روح اله مفیدی و...پرویز فنی زاده ایفای نقش می کردند. فیلم تنگسیر بعدها به خاطره جمعی چند نسل از بوشهری‌ها تبدیل شد. کسانی که از نزدیک شاهد ساخت فیلم بودند و یا در صحنه هایی از آن حضور داشتند.




تا قبل از انقلاب حدود دوازده فیلم که تمامی یا بخش های از آنها در بوشهر فیلمبرداری شده بود و یا تعدادی از عوامل آنها بوشهری بودند ساخته شده بود که پس از «ناخدا» و«تنگسیر» مهمترین یا مشهورترین آنها جاسم بندری (کامران قدکچیان ۵۲)- مجازات (مهدی فخیم زاده ۵۴)- شارلوت به بازارچه می‌آید (عباس جلیلوند۵۶) –این گروه محکومین (هادی صابر۵۷) – خبیث (جلال مه بیان ۵۷)– قدغن (علیرضا داودنژاد ۵۷) و موج طوفان (منوچهراحمدی۵۷) بوده اند.

در فیلم «این گروه محکومین» که در سال۵۶ فیلمبرداری و سال بعد اکران شد منوچهر احمدی، فرشته جنابی، عزت اله انتظامی– اکبر زنجانپور و... ایرج صغیری ایفای نقش کردند و از جذابیت های خاص آن برای بوشهری ها استفاده از نمای عمارت ملک در پس زمینه پوستر اصلی فیلم بود. «قدغن» را هم علیرضا داودنژاد




با بازی داود رشیدی- مرتضی عقیلی و... پرویز فنی زاده در سال ۵۷ ساخت که بعد از انقلاب و مانند دیگر فیلمهای آن سال اکران کوتاهی داشت.

از میانه دهه چهل به بعد تعدادی از جوانان بوشهری علاقمند به فیلم و سینما مثل: حسین دهقانی- خورشید فقیه- مسیح مالکی- جواد تلیان – مهدی جهانبخشان و... پرویز هوشیار در مجموعه «سینمای آزاد» فعالیت می کردند و ساخت تعدادی فیلم کوتاه و تجربی یادگار و نتیجه تلاشهای آنهاست.

ادامه دارد...

مصاحبه نسیم جنوب با بهرام سعادت مهر، عضو سینمای آزاد بوشهر:

## حال و هوای سینمای آزاد در بوشهر



**– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی فرمایید.**

– بهرام سعادت مهر هستم. سال ۱۳۳۹ در بوشهر زاده شدم.

**– در زمانی که شروع به فعالیت در کانون سینمای آزاد بوشهر کردید، اوضاع و احوال و امکانات چگونه بود؟**

–برای من و دوستانم همه چیز جذاب بود، از دوربین های عکاسی و فیلم برداری، مویلا حتا چسب اسپلایسر، فلات های نور و تخته سیاه. این تخته سیاه انگار معجزه می کرد و آن چه بر آن می نوشتند به سادگی قابل یاد گیری بود.

**– در آن زمان در کانون سینمای آزاد بوشهر چه فعالیتهای انجام می گرفت؟**

–خیلی از کارهای هنرجویان در سال سوم استارت خورد، چون قبل از آن در مرحله ی یادگیری و تجربه اندوزی بودیم. هر کدام از استادان که بیرون از کلاس می خواستند کاری انجام دهند، ما هم می رفتیم تا از نزدیک و با مشاهده کار ایشان بر تجارب مان بیفزاییم.

**– چرا این فیلم ها به نمایش در نیامد؟**

–خیلی از کارهای هنرجویان که از سال سوم به بعد شروع شده بود در حال انجام یا تدوین و صداگذاری بود که سال ۵۷ «سینمای آزاد» تعطیل شد و به غیر از آثار تصویری ارزشمند، پوشه های حاوی گزارش ها نیز در آن جا ماند. ما خیلی برای بازگشایی اش انتظار کشیدیم اما به خاطره پیوست.

**– هنرمندان سینمای بوشهر چه آشنایی با سینمای دنیا و ایران داشتند و چه ارتباطی با سینما و هنرمندان کشوری داشتید؟**

– بولتن هائی بودند که هم آموزشی بودند و هم گزارشی. از طریق همین بولتن ها اشراف کامل بر فعالیت‌های استان های مختلف داشتیم. در بخش خارجی هم مطالبی متنوع از نگاه سینماگران منتشر می شد، حتا گاهی اوقات نقد و بررسی هم با توجه به محتوای همین بولتن ها در کلاس مطرح می شد. گاهی بحث های چالشی پیش می آمد.

**– نتیجه فعالیت های سینمای آزاد بوشهر در فضای هنری بوشهر در دراز مدت چه بود؟**

– متاسفانه بعد از چهار سال سینمای آزاد تعطیل شد، اما استادانی که دیر زمانی پیش از ما فعالیت شان را آغاز کرده بودند، فیلم هاشان به نمایش عمومی در آمد، نمایشگاه عکس برگزار کردند و نمایش به روی صحنه بردند.

**– سینماهای بوشهر کجا بودند و چه فیلم هایی در آنها نمایش می دادند؟**

– درآن زمان سه سینما در بوشهر بود؛ سینما ساحل در کوچه ی ورودی محله کوتی، سینما تابستانه پارس کنار پمپ بنزین مرکز شهر نزدیک مخابرات و مدرن ترین سینمای بوشهر که با سینماهای مجهز و مدرن تهران برابری می کرد، سینما فانوس بود.

**– چه توصیه ای به جوانان علاقمند به فعالیت سینمایی دارید؟**

–راهی که منجر به موفقیت یک علاقه مند به هنر می شود، تحصیلات آکادمیک است و دوست داران هنر سینما اگر به هر دلیلی این امکان را ندارند، باید نزد استادان این عرصه به اندوختن دانش و تجربه بپردازند تا زمانی که احساس کنند می توانند وارد یک پروژه ی سینمایی شوند.

**– کلام آخر؟**

–وظیفه دارم از اولین استادم جناب «خورشید فقیه» گرانقدر قدردانی کنم که با حمایت و آموزش های ایشان توانستم در دنیای هنر گام نهم. به امید رونق دوباره ی سینما در میهن عزیزمان، بایسته است روز ملی سینما را به اهالی ارجمند سینما و همه مردم گرانقدر و هنردوست دیارم تبریک بگویم. از شما و دیگر دست اندر کاران هفته نامه ی وزین نسیم جنوب نیز برای این گفت و گو سپاس گزارم.

# قمار بزرگ برای جام جهانی

امید سعیدی



بالاخره و پس از کش و قوس های بسیار، کارلوس کیروش دوباره به فوتبال ایران بازگشت آن هم در حالی که کمی بیش از دو ماه به شروع مهم ترین رویداد فوتبالی دنیا زمان باقی مانده است. به نظر می رسد کیروش هنوز طرفداران و مخالفان سرسخت خود را در ایران دارد. در این چند سال فوتبال ایران و کارلوس کیروش مسیرهای عجیب و غریبی را به دور از هم طی کردند ولی گویا هر دو مثل عاشق و معشوق جدا افتاده از هم نیم نگاهی به یکدیگر داشتند. کارلوس کیروش در آمریکای لاتین و تیم کلمبیا نتوانست توقعات فدراسیون فوتبال و دوستداران این رشته ورزشی در آن کشور را برآورده کند، پس از آن شغل خود



را با سرمربی گری تیم آفریقایی مصرادامه داد؛ با مصر توانست به همان سبک مورد علاقه اش در فوتبال بازگردد و با همان شیوه تا فینال جام ملتهای آفریقا پیش رفت اما به سد سنگالی خورد که دو جین فوتبالیست در سطح بسیار بالا را در تیم خود داشت و شاید اگر قرعه ی شانس بهتری داشت و تیم دیگری در مقابلش بود می توانست موفقیت مورد نظر را کسب کند.

فوتبال ایران در این سه سال اما فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته است، اتفاقات عجیب و غریب در مورد ویلموتس که منجر به جریمه سنگین ارزی کشور شد و همچنین حذف از رقابتهای مقدماتی جام جهانی که در شرف وقوع بود اتفاق وحشتناکی بود که در هشت سال مربی گری کیروش در حافظه فوتبال ایرانیان سابقه ای نداشت، تیم ملی ایران دو دوره ی قبلی را با همین کیروش بدون مشکل و با اقتدار صعود کرده بود. سپردن هدایت اولین تیم آسیایی در رنکینگ فیفا به اسکوچیچ بدون کارنامه ی مربی گری در سطح ملی با مخالفت های سفت و سختی روبرو شد اما نتایج بسیار خیره کننده تیم ملی و ثبت رکورد سریع ترین صعود به جام جهانی توانست تا حدودی انتقادات از سبک بازی ملی پوشان را به خصوص در مقابل تیم های بزرگ کم کند.

حالا رئیس جدید فدراسیون فوتبال ایران به همان وعده خود قبل از تصدی این سمت جامه عمل پوشاند و به هر شکلی که بود کارلوس کیروش را به فوتبال ایران برگرداند.

کارنامه ی صعودهای بدون مشکل کیروش با فوتبال ایران چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم کارنامه ای موفق بوده است. کیروش پس از هشت سال مربی گری در تیم ملی ایران توانسته بود تفکر خاص خود را تا حدودی به تیم های لیگ برتری دیکته کند به نحوی که مربیان لیگ برتری کم و بیش سعی در پیاده کردن ساختار فکری کیروش در تیم خود می کردند. در فوتبالی که هیچ گاه برنامه بلند مدت مدونی نداشته است و مانند کشورهای جنوبی حوزه ی خلیج فارس توان ورود به حرفه ای گری محض را هم نداشته است و تنها برنامه های کوتاه مدت پیش از حضور در رقابتها آن هم به شکل نیم بند اجرا می شده است، نظم و اقتدار کیروش به شکلی بر شاکله ی فوتبال و فدراسیون ایران تحمیل شد که توانست کم و بیش در آماده سازی تیم ملی در زمان حضور ایشان موفق تر عمل شود.

آن چه انتقادات به تیم ملی در زمان تصدی اسکوچیچ را به اوج خود رساند، دو و حتی چند گانگی در بین بازیکنان تیم ملی بود که هیچگاه در زمان کیروش دیده نمی شد. بر کیروش اما در زمینه نظم و انضباط نقدی نمی توان وارد کرد، از لحاظ فنی هم باید فوتبال ایران را در بستر خود بررسی کرد، فوتبالی که هنوز در گیر و دار حرفه ای شدن با ای.اف.سی در حال جنگیدن است، فوتبالی که به گفته تاج هنوز نتوانسته طلب بیش از ۲۰ میلیون دلاری خود را از فیفا بگیرد، فوتبالی که هنوز برای قرارداد بستن برای تامین وی.ای.آر با مشکل مواجه است، وضعیت حق پخش تلویزیونی مسابقات مشخص نیست، و لیگی که بهترین تیم هایش آن هایی هستند که حمایت بخش دولتی را دارند نیاز به بررسی در همین بافت ورزشی را دارد؛ مسلما اگر تیم ملی ایران با چنین پشتوانه لجستیکی در مقابل اسپانیا و پرتقال سبکی به جز آنچه انجام داد را ارائه می داد به احتمال قریب به یقین با نتیجه ویران کننده ای مواجه می شد.

خیلی از دوستداران فوتبال و حتی مربیان وطنی برکناری سرمربی تیم ملی را با وجود چنین صعود خیره کننده ای غیراخلاقی می دانند اما به نظر نگارنده هیچ چیز بالاتر از نام ایران و منافع ملی این سرزمین نیست و حتی اگر برکناری شخصی حتی یک روز به شروع بازی های جام جهانی به تعالی نام ایران و ایرانی کمک کند نباید به نام اخلاقیات از انجام آن دست کشید، بی اخلاقی در آنجا خود را نشان می دهد که چشم هایمان را بر بی نظمی های تیم ببنیدم و به نام اخلاق منفعل باشیم؛ در جایی که نام ایران است هیچ احدی نباید منفعل باشد و این کمترین اقدامی است که از هر ایرانی به عنوان بخشی از این آب و خاک توقع داریم.

آنچه در همین زمان بعد از صعود به جام جهانی از اسکوچیچ دیده شده است متاسفانه عدم توان کنترل چند دستگی های مشهود در تیم ملی است، شاید حتی بتوان از ضعف فنی تیم چشم پوشی کرد ولی بی نظمی حاکم بر تیم ملی که نماینده این مرز و بوم در مهم ترین رویداد ورزشی است را نمی توان بدون واکنش متناسب باقی گذاشت. قطعا انتخاب کیروش برای تاج یک قمار خطرناک است و شاید هیچ رئیس فدراسیون دیگری دست به چنین قماری نمی زد اما به هر حال این اتفاق با وجودی که شاید شانس زیادی به تیم ما تزریق نمی کند حداقل می تواند نظم و انضباط لازم را به تیم بازگرداند.

به هرحال موفقیت ایران در همه زمینه ها آرزوی هر ایرانی است و همه ما امیدواریم چنین تصمیم سختی به تیم ملی کمک کند و موجب خوشحالی مردم شود.

### معرفی مدارس فوتبال؛ مدرسه فوتبال نام آوران بوشهر:

# با آموزش اصولی در مدارس فوتبال، می‌توان تیم های بزرگسالان درجه یک داشته باشیم

مصاحبه از عبدالباقی صداقت

–لطفا خودتان رامعرفی کنید.

– امین آبادی، مدیر و موسس باشگاه و مدرسه فوتبال نام آوران بوشهر و موسسه فرهنگی ورزشی نام آوران ستاره جنوب، دارای مدرک دکترای مدیریت ورزش و B فوتبال و مدرک مینی فوتبال و بدنسازی L1 فوتبال و فوتسال و تغذیه ورزشی

– مدرسه فوتبال شما از چه سالی شروع به فعالیت نموده ومحل تمرین ها کجا می باشد.

– مدرسه فوتبال نام آوران بوشهر به طور رسمی از پاییز ۹۵ شروع به فعالیت کرد و محل تمرینات هم از ابتدا در منطقه بهمنی و محله خواجه ها بوشهر می باشد (البته مدت زمانی هم در چمن شغاب تمرینات انجام می‌گرفت) و دارای رده های از ۵ سال تا نونهالان و نوجوانان می باشد.

– از ابتدای فعالیت تا کنون چه تعداد فوتبال آموز داشته اید و چند فوتبالیست از مدرسه شما به تیم های مطرح راه یافته اند؟



– در مورد این سوال باید گفت در این مدت۱۴ سال فعالیت با فوتبال آموزان ۵ تا ۱۶ سال (چه قبل از تاسیس نام آوران و چه بعد از تاسیس) فوتبال آموزان زیادی هر ساله زیر نظر بنده کار کرده و رشد کردند بازیکنانی به تیم های مطرح استان اعم از شاهین و ایرانجوان و پارس جنوبی و پارس دشتستان و حتی ساحلی و... تحویل شده است (که نام بردن تک تک آنها از این مبحث خارج است) و از سال تاسیس نام آوران و تا سال ۹۸ هر ساله یک الی دو بازیکن زیر ۱۲ سال در تیم منتخب استان و از طریق مسابقات فستیوال انتخاب شدند. (جواد کرمی و علی زیارتی و رامین چرانی و شایان رهبریان و...)

– در حال حاضر چه تعداد فوتبال آموز دارید درچه رده های سنی هستند؟

– حدود ۱۰۰ فوتبال آموز که از سنین ۵ سال تا ۱۶ سال در نام آوران فعالیت دارند و تمرینات مدون و منظم را طبق اصول فنی انجام می‌دهند.

– تا کنون مدرسه فوتبال شما چه موفقیت ها و افتخاراتی را کسب نموده است؟

– در وهله اول به این نکته اشاره شود که آرمان و اصل وجود مدارس فوتبال تعلیم و تربیت و آموزش فوتبال آموزان جهت پیشرفت در این رشته ورزشی پرطرفدار می باشد و مقام و از این قبیل بیشتر مختص رده های سنی نونهالان و بالاتر می باشد.

لذا مدرسه فوتبال نام آوران موفقیت زیادی در این امر داشته که می‌توان قهرمانی و نایب قهرمانی و مقام سومی در چندین تورنمنت و فستیوال با فوتبال آموزان تا سنین زیر ۱۲ سال و نایب قهرمانی شهرستان در رده نوجوانان را کسب کند. ولی باز تکرار می کنم موفقیت و افتخار اصلی بنده بازیکن پروری جهت استفاده فوتبال این شهر و استان و در نهایت کشور می باشد.

ما باید بدانیم که تولید کننده و آموزش دهنده فوتبال پایه هستیم.

– امکانات و هزینه های مدرسه فوتبال را از چه طریقی تهیه می نمائید

–نام آوران بوشهر کاملا با هزینه شخصی این جانب اداره می‌شود و اغلب در آمدهای مدرسه فوتبال (که از حدود ۶۵ درصد فوتبال آموزان شهریه دریافت میگردد) نیز هزینه خود مدرسه فوتبال می‌شود.

– کمبودهای موجود در مدارس فوتبال را بیان نمائید.

– مشکلات و موانع در هر کاری یک امر اجتناب ناپذیر هست ولی عمده مشکل ما در بحث زمین چمن طبیعی و چمن بزرگ استاندارد می باشد که با توجه به پتانسیل شهرستان و تعداد کم این نوع زمین به یک معضل برای مدارس فوتبال و باشگاه‌هایی شده که صرفا در رده های پایه فعالیت دارند. از دیگر مشکلات عدم اهمیت سازمان‌ها و ارگانها به فوتبال پایه می باشد چه بسا که با توجه به علمی شدن و به روز شدن فوتبال دنیا همین آموزش اصولی در مدارس فوتبال هست که می‌تواند تیم های بزرگسالان با بازیکنان درجه یک را داشته باشیم.

– پیشنهادات خود را جهت پیشرفت مدارس فوتبال عنوان نمائید

– مدارس فوتبال باید پی در پی و مداوم با روش ها و دانش روز فوتبال پایه چه به صورت مطالعه و چه با شرکت دردوره های دانش افزایی در امر آموزش حرکت کنند و دیگر اینکه مربیان مدارس فوتبال حتما این مسئله را در نظر بگیرند که چون با رده های حساسی از لحاظ روحی و روانی ارتباط دارند حتما در برخورد با این سنین نهایت متانت و اخلاق مداری را رعایت کنند تا کودکان مایوس نشده و از رسیدن به مراحل رشد باز نمانند و فوتبال آموزان جهت رفتن به مدرسه فوتبال و هر جلسه تمرینی لحظه شماری کنند و نهایت لذت راببرند.

و در آخر مدارس فوتبال صرفا فقط محل تفریح یا گذراندن وقت کودکان نباشد و حتما آموزش بهینه و مناسب رده سنی هر فوتبال آموز در دستور کار قرار گیرد و خواهشمندم که مدارس فوتبال درآمدزایی را اولویت آخر و آموزش و پرورش را اولویت اول خود قرار داده تا کمک شود جامعه‌ای سالم و پویا داشته باشیم.

– چه صحبتی با مسئولین و دست اندرکاران مدارس فوتبال دارید

–بنده از مسئولین و خادمین ورزش و علی الخصوص فوتبال پایه استدعا دارم که با مراکزی که وقت و هزینه و انرژی خود را صرف آموزش و پرورش فوتبال آموزان می کنند و مطمئنا همه واقفند که این کار اغلب قلبی و از روی علاقه هست و سود مالی به همراه ندارد نهایت همکاری و همدلی را انجام دهند و از ارگان ها و سازمان‌هایی که می‌توانند در این امر کمک و یاری نمایند دریغ نکنند. فلذا در خواست کلی این جانب فراهم کردن زیر ساخت ها و امکانات ورزشی در هر منطقه با توجه به نیازها و نیز توجه و حمایت و همفکری آنها از متولیان آموزش فوتبال پایه جهت پیشبرد نسلی والا و پویا برای شهر و استان و در نهایت ایران عزیز باشد.

– در پایان کلام آخر شما.

– در پایان بنده و مجموعه نام آوران بوشهر از همه حامیان فوتبال پایه استان و نیز از نشریه نسیم جنوب و جناب عبدالباقی صداقت بابت وقت و نیز اهمیت به امر فوتبال پایه نهایت تشکر و قدردانی میکنیم و آرزوی بهترینها را برای فوتبال بوشهر عزیزم داریم.




هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

# مرثیه ای برای فانوس

## بوشهر استان بی سینما!

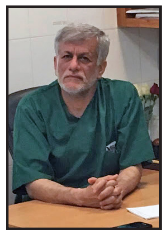
محمد مظفری



بالاخره زیر بار سنگین بی توجهی کم آورد و کمر خم کرد! فانوس را می گویم سینمای پیر شهر!، سینمایی که بیش از ۵۵ سال است وظیفه همه اکران های سینمایی را در بوشهر به دوش می کشد.
او سخاوتمندانه از سال ۱۳۴۵ تا همین چند ماه پیش به همه علاقمندان سینما در سراسر استان بوشهر خدمات می داد، از ارائه خدمات به علاقمندان سینما در جم و عسلویه و کنگان و دیر گرفته تا عاشقان فیلم در گناوه و دشتستان، تنگستان، دشتی و دیلم ، همه بار سینمای و اکران فیلم های روز بر دوش فانوس بود،یعنی هرکس قرار بود فیلم روز سینمای ایران ببیند بایدر مینی بوس می نشست و سه ساعت می کوبید تا ساعتی را زیر کولرهای نیمه جان سینما فانوس فیلم مورد علاقه اش را ببینید.
عاشقان سینه چاک سینما در بندر بوشهر هم اگر روزی یک بار از روبریش رد نمی شدند و سردر سینمای شهرشان را نمی دیدند، اون روز برایشان شب نمی شد! فانوس عاشق بود، عاشق مردم عاشق پیشه بوشهر! آنهایی که برای سینما همه زندگیشان را می دادند او همزاد دریا بود، یعنی هر صبح شام ماه و خورشید را در آینه دریای پارس به تماشا می نشست،
در این سالها سالن های بسیاری به نام سینما در استان بوشهر نام گذاری و افتتاح شد ولی هیچ کدام نتوانستند بار سنگین شان را زیر فشار بی تعهدی و بی مسئولیتی متولیان به منزل برسانند، کما این که بسیاری از این سینماها فقط در نام سینما بودند و در عمل ادعایی برای بیلان کار!
حالا خبر می رسد سینما فانوس هم کم آورده است و دیگر نمی تواند روی پای خودش بایستد، همین یک ماه پیش به فانوس گفته اند بازنشته ای! و دیگر نمی توانی اکرانی داشته باشی، و باید به خانه سالمندان بروی! خبری که عاشقان سینما را در پایتخت انرژی ایران، غم زده کرده است، چون می دانند که فانوس هیچ جانشینی ندارد، یعنی در همه این سالها نخواسته اند فانوس جایگزینی داشته باشد. و هیچ بودجه ای برای ساخت هیچ سینمای تخصصی در این سرزمین هنر خیز تخصیص داده نشده است.
حالا بوشهری ها، مردمان نجیب سرزمینی که منابع زیر زمینی نفت و گازش، ۹۹ درصد بودجه سالانه کشور را می دهد، نمی توانند اکران هیچ فیلمی را در مکانی بنام سینما در استانشان به تماشا بنشینند، حتی ساخته های سینمایی فرزندان فیلمسازش را!!
۲۱ شهریور روز سینما مبارک!

# در سوگ دکتر یوسف دانش پژوه

دکتر عبدالرحیم مهرور



به یاد همکارانی که دیگر در کنارمان نیستند: دکتر زرین آبادی، محمد رضا رزمی، مرحومه عبداللهی و... و امروز در فراق یوسفی دیگر سوگوار و گم گشته ایم.
باورش بسی سخت و ناگوار است به ویژه برای کسانی که در جوانی و میانسالی رخت عروسی هم نمی بندند.
انگار که همین دیروز بود، چه زود گذشت، سالهایی که همگی در اتاق عمل برای نجات جان انسانها در جنب و جوش بودیم، کسی باور نمی کرد که خودمان هم شاید در کسری از ثانیه به فکر نیاز به احیای قلبمان باشیم.
چه سخت و سنگین است جدایی آن هم برای همکاری که سالهای سال در کنار هم بودیم، در شادیها و غم ها شریک هم بودیم، اما به ناگه در لحظه ای از زمان عفریت مرگ از همدیگر جدایمان کرد .



و چه زیباتر آن موقعی که جان انسانی را نجات می داد، اما کسی نتوانست جانش را نجات دهد.
در غروب غم انگیز و در کمال ناباوری و در تبسمی از آه و ناله تمام همکاران را بار دیگر به ماتم برد، آن هم همکاری که در محل کار بیمارستانی «جان به جان آفرین» تمام کرد.
حال که تقدیر این گونه است بیاییم برای یک بار هم که شده با هم صمیمی باشیم و قهر و کینه ها را کنار گذاشته و برای همیشه فراموش کنیم.
روحت شاد یوسف.

## پیام تسلیت مدیر درمان تامین اجتماعی استان بوشهر درپی درگذشت «دکتر یوسف دانش پژوه »

مدیر درمان تامین اجتماعی استان بوشهر با صدور پیامی درگذشت «دکتر یوسف دانش پژوه » شاغل در بیمارستان سلمان فارسی بوشهر را تسلیت گفت. به گزارش روابط عمومی مدیریت درمان تامین اجتماعی استان بوشهر؛ متن پیام تسلیت صادر شده از سوی دکتر اسماعیلی بدین شرح است:
« وَ بَشِّرِ الصّابرینَ الّذینَ إذَا أَصَابَتْهُمْ مُصیبَةٌ قَالُوا إنّا للهِ وَ إنّا إلَیْهِ رَاجِعُونَ »
خبر درگذشت شهادت گونه همکار ساعی و تلاشگرمان فقید سعید «دکتر یوسف دانش پژوه» همکار شاغل در بیمارستان سلمان فارسی بوشهر که عمر گرانبهای خویش را صرف خدمت به همنوعان و التیام درد دردمندان کرد موجب تاثر و اندوه فراوان همکاران و خانواده بزرگ سازمان تامین اجتماعی گردید.
اینجانب با قلبی سرشار از اندوه، عروج این همکار گرانقدر را به خانواده محترم و همکاران به ویژه همکاران بیمارستان سلمان فارسی تسلیت و تعزیت عرض می نمایم. از درگاه ایزد منان برای روح سترگ آن عزیز از دست رفته علو درجات و همنشینی با اولیاء و صالحین و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم.

# مراسم عزاداری سنتی بوشهر در استان بوشهر ثبت ملی شد

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان بوشهر با اشاره به ثبت ۸۹ اثر ناملموس از جمله آیین و مراسم محرم و صفر در فهرست آثار ملی گفت: در این راستا آثار ناملموس دیگر بوشهردر زمینه‌های مختلف برای ثبت در فهرست آثار ملی آماده شده است.
به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، این استان در عرصه عشق و علاقه به ائمه طهارت علیه‌السلام دارای قدمت تاریخی طولانی است و مراسم و آیین‌های مختلف در وصف خاندان طهارت علیه‌السلام در استان بوشهر شهره جهانی، ملی و منطقه‌ای است.
از آثار ناملموس و فرهنگی استان بوشهر بخشی در فهرست آثار ملی به‌ویژه عزاداری مردم استان بوشهر در فهرست ملی کشور به ثبت رسیده است.
مدیر کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان بوشهر با اشاره به این که ۸۹ آثار ناملموس استان بوشهر به ثبت آثار ملی رسیده است اظهار داشت: مراسم عزاداری سنتی بوشهر در سوگ ائمه طهارت علیه‌السلام بوشهر از جمله سینه‌زنی و دمام‌زنی دارای جذابیت‌ها و ویژگی‌های فراوان است که تاکنون مراسم‌های ماه محرم و صفر استان بوشهر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.
اسماعیل سجادی‌منش اضافه کرد: در این راستا ۱۴ آثار ناملموس دیگر در زمینه‌های مختلف فرهنگی و آیینی برای ثبت در فهرست آثار ملی آماده شده است. آثار ملموس استان بوشهر مربوط به زمان‌های مختلف تاریخی است که تاکنون ۳۱۳ اثر به ثبت آثار ملی رسیده است.
وی بیان کرد: در کنار تاریخی بودن بافت مساجد، این اماکن متبرک محل فعالیت‌های فرهنگی بوده که بخشی از میراث ناملموس فرهنگی استان در این اماکن پرورش یافته و احیا شده که ساماندهی و مرمت این اماکن نیز در همین راستا است.
مدیرکل میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی با اشاره به این که ۱۸ مراسم آیینی استان بوشهر در حوزه مراسم عاشورایی ثبت ملی شده خاطر نشان کرد: در کنار آثار و اماکن ملموس، چون حسینیه‌ها، مساجد، زینبیه‌ها و تکایا به ثبت ملی رسیده است. این اماکن از ۲۰۰ سال قبل تاکنون سبب پویایی مراسم شده‌اند که مسجد جمعه و مجلسی آل‌عصفور از آن جمله است و در حال بازسازی است و تا ماه صفر آماده می‌شوند.
وی ابنیه‌های تاریخی استان بوشهر را مربوط به ۴ هزار سال تا ۲ قرن گذشته دانست و تصریح کرد: با برنامه‌ریزی انجام شده ۱۲ ابنیه تاریخی استان در نوبت ثبت قرار دارد که با پیگیری‌های انجام شده امسال بخشی از این آثار به ثبت می‌رسد.

# جولان متکدیان پاکستانی در شهرستان جم

طبق بررسی‌های به عمل آمده تکدی گری آثار منفی متعدد را بر اجتماع به‌جای می گذارد، چرا که در سایه تکدی‌گری شاهد رواج فحشاء، فروش و اجاره کودکان هستیم. امروزه تکدی‌گری یکی از معضلات جامعه شناخته می‌شود که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اجتماع وارد می‌کند.
این روزها در نقاط حساس و پر رفت و آمد شهرستان به وضوح می توان حضور متکدیان پاکستانی که اغلب آنان نیز زنان و کودکان هستند را مشاهده کرد.



پل وسط شهر، چراغ قرمز پل بهرباغ، سه راهی مالچه، کنار خودپرداز بانک ها، پمپ بنزین ها و سایر نقاط شلوغ این شهر تبدیل به محل فعالیت متکدیان پرشماری هستند که در ضعف نظارت‌ها بدون هیچ گونه محدودیتی در شهر جمع حضور دارند.
یکی از مهمترین مشکلات تکدی‌گری وجود مجموعه‌های سازمان یافته برای ایجاد درآمد از این طریق است که لازم است نهادهای نظراتی شناسایی و برخورد جدی کنند.
این روزها شاهد جولان متکدیان پاکستانی در سطح شهر هستیم که علاوه بر نازیبا شدن چهره شهر از نظر پوشش، البسه و بهداشتی در سطح بسیار پایینی هستند که ممکن است باعث انتشار بیماری های گوناگون شوند.
بسیار مناسب است با اهتمام بیشتر به این موضوع از سوی نهادهای مربوطه بخصوص فرمانداری و نیروی انتظامی شاهد جمع آوری این متکدیان و دیپورت آنان به شهرها و کشور اصلی خود باشیم.

# حق مناطق جنگی کارکنان بوشهر حذف شد

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر گفت: بر اساس رای دیوان عدالت اداری کشور حق مناطق جنگی نیروهای شاغل در مناطق جنگی، حذف شده است.
محسن پاپری زارعی در گفتگو با خبرنگار فارس در شهرستان بوشهر اظهار داشت: بر اساس رای دیوان عدالت اداری کشور حق مناطق جنگی نیروهای شاغل در مناطق جنگی، حذف شده است و سازمان برنامه و بودجه کشور نیز مستلزم است که رای مرجع قانونی را اجرا نماید.
به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر؛ در ۳۰ فروردین ماه سال جاری نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی بعد از مدت‌ها خبر از بازگشت حق مناطق عملیاتی را برای کارمندان شهرهای بوشهر، گناوه و دیلم داده بود، حال این اقدام باعث واکنش‌های شدید نمایندگان مختلف کشور شده است.